

باغ و مفهوم منظر شهری در طراحی فضای سبز

عبدالله جمالی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مسجدسلیمان، گروه معماری، مسجدسلیمان، ایران

چکیده

انسان در طول تاریخ در جهت شناسایی و ارزیابی محیط خود سعی کرده است تا به نحوی با طبیعت ارتباطی صحیح و مناسب برقرار سازد. به طور کلی انسان متأثر از محیط زیست خود بوده و گاهی در بازسازی طبیعت، تخیلات و ایده‌آل‌های وی نیز در جهت مناسب و موافق آن قرار می‌گیرد. هرچند در زمانی نیز انسان بر طبیعت تاثیر گذاشته، با استفاده بی‌رویه از آن، موجبات نابودی و تخریب آن را فراهم آورده است. از دیرینه‌ترین فضاهای باز می‌توان از باغ نام برد که در همه تمدن‌ها از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قدمت تاریخچه باغسازی حداقل ۴۰۰۰ سال تمدن بشری است. قدیمی‌ترین اشاره‌ها به باغ‌های جهان، در برخی از منابع تمدن‌های کهن، چون مصر و چین، دیده می‌شود. وجود باغ در مصر قدیم از نقشه‌های آثار باستانی آن سرزمین پیداست. این مقاله سعی دارد تا با باز تعریف باغ و منظر و ارایه ارتباط سیستماتیک در این تعریف، توجه معماران را به ارزش‌های معماری ایرانی و استفاده از آن در تکنیک‌های منظر شهری بیش از پیش جلب نماید.

واژه‌های کلیدی: باغ، باغ ایرانی، منظر، منظر شهری، جوهره منظر شهری.

مقدمه

باغ ایرانی

این بهشت اسرارآمیز ریشه در دورانی کهن دارد و به تمدنهای قبل بر می‌گردد. سابقه کهن تمدن سرزمین پارس باعث گردید تا پس از آشنایی ایرانیان با دین اسلام، روشها و فعالیتهای هنری و معماری این سرزمین ادامه یافته و فلسفه زندگی جدید مطرح شده از طرف اسلام، بر یک تمدن ریشه‌دار و با ثبات سوار گردد که در آن باغ دارای نقشی استوار و غیر قابل تردید بوده است. بنابراین باید ریشه باغ اسلامی را در سرزمین پارس جستجو کرد.

جهان اسلام دو سبک باغسازی را از ایران اقتباس کرد که در طی قرون، کم و بیش میان ملتها رواج یافت. یکی باغهای محدود به ایوان و حیاطهای مشجر و دیگری املاک خارج شهر با سقفی به اندازه تفرجگاههایی که جای جای به عمارت کلاه فرنگی آراسته بود.

مرکز ایران دارای آب و هوای خشک و گرمی است. مجموعه‌ای از حوضه‌های آبگیر و فلات‌ها توسط دو رشته کوه اصلی البرز و زاگرس از دیگر مناطق جدا شده است. از زمان‌های قدیم، ساخت باغهای سرسبز در این مناطق با توجه به مهندسی سیستم مبتکرانه در استفاده از قنات‌های زیرزمینی افزایش یافته است. (فریر، ۱۹۸۹)

علاقه ایرانیان را به احداث باغهای بزرگ در داخل یا خارج شهرها و نیز باغچه در خانه‌ها، بیش از هر چیز باید معلول محیط گرم و خشک بخش عمده‌ای از ایران دانست. این علاقه در سراسر تاریخ این سرزمین به چشم می‌خورد و بر اساس مدارک موجود، پیشینه آن دست کم به زمان هخامنشیان می‌رسد. "کهن‌ترین فرم پارک یا باغ که در ایران باستان شناخته شده است، تقریباً به پیش از قرن ششم میلادی و در اطراف قصر پاسارگاد، (ساخته کوروش کبیر هخامنشی) بر می‌گردد."

در شمال شرقی ایران در حدود سال‌های ۸۰۰ ق.م اب قنات‌ها از ذوب شدن برف کوه‌ها برای آبیاری و استفاده انسان تامین می‌شده است. حضور و وفور آب، به جوهره باغ ایرانی تبدیل شد. تنوع غنی از گونه‌های رونق گیاهان را در این باغ‌ها می‌توان یافت در حالی که کانال باریکی از آب در سراسر باغ، تغذیه چشمه و استخر، ایجاد باد و خنک کردن هوا، و موسیقی ثابتی در فضای باغ را عهده دار است. باغ‌ها در کنار مکان‌هایی برای شعر، تفکر و انزوا، برای تفریح و گذران اوقات فراغت نیز استفاده می‌شده است. در طول تاریخ ایران، باغ‌ها مرکز حیات سیاسی طبقه حاکم بودند. کوروش پادشاه هخامنشی تخت خود را در داخل باغ خود در پاسارگاد قرار داده است.

نقاشی‌های مینیاتور پارسی از قرن پانزدهم تا هفدهم شاهان را در حال ملاقات با دیپلمات‌ها در باغ‌هایشان برای امضای معاهدات، اعیاد و جشن‌ها، و تمام لحظات تعریف شده از هویت ملی همراه با تصاویری از عشق افسانه‌ای به تصویر می‌کشد. تاریخ مصور، شاهنامه، جزئیات هر دو بعد رویایی و عملی را در زندگی به نمایش می‌گذارد.

باغ‌های باستانی قبل از کوروش نشان دهنده شواهدی از ویژگی‌های باغ ایرانی است که در مکان‌هایی مبتنی بر ایده‌های پارسی، از هند تا اسپانیا کشیده شده است. باغ‌ها به طور معمول توسط کانال‌های آب به چهار قسمت تقسیم می‌شوند. اغلب توسط حوض‌های هندسی شکلی نشان گذاری شده‌اند. در نقطه تقاطع مرکزی، یک سکویی برای دیدن ساخته شده است که بعدها یک عمارت کلاه فرنگی نیز به آن اضافه شد. گاهی اوقات به سازه‌های سقف طاق‌داری مزین شده که نشان دهنده پیچیدگی هفت آسمان می‌باشد. هندسه به منزله نمایش جهان منظم در سرتاسر باغ ایرانی در ویژگی‌های طراحی طبقات تا سطح زمین و در شکل چهارباغ به نشانه چهار گوشه جهان در باور بومی باستانی، و چهار رودخانه بهشت که عمدتاً وابسته به دوره اسلامی می‌باشد، به چشم می‌خورد. با این حال ریشه‌های بهشت زمینی از بین‌النهرین هزاران سال قبل از هخامنشیان و خیلی بیشتر از دوره اسلامی سرچشمه گرفته است.

طی این دوران، مفاهیم "باغ - بهشت" و "باغ - شهر" رابطه بین طبیعت و ایرانیان باستان را تعیین می‌کرده است. این مفاهیم، سمبل حاصلخیزی به شمار می‌رفته و منشاء هستی و آفرینش و عامل تسلط بر دنیای بیرونی محسوب می‌شدند. در چنین نگرشی، بقای شهر به وجود باغ بستگی داشته و شهر تا زمانی می‌توانسته به هستی خود ادامه دهد که در مدخل آن، باغ

مستقر باشد. چون بر مبنای این اعتقاد، آب به عنوان منشاء حیات توسط باغ از سینۀ خاک گرفته می‌شد و در شهر پخش می‌گردید.

در مجموع، ویژگیهای ارتباط ایرانیان باستان با طبیعت و منظر به شرح زیر قابل توصیف است:

- باغ به مثابه تصویری از جهان جاودانه؛ این تصویر همانند همان تصویری است که تمدن بین‌النهرین از باغ داشته است.
- پیوند نظم کاشت و نظم گیاه با سنن بابل و مصر؛ در باغهای ایران باستان، کاشت درختان به صورت منظم بوده و درختان میوه در کنار گیاهان معطر قرار می‌گرفته است.
- اشاره به مفاهیم افسانه‌ای و عرفانی در قالب نظم هندسی؛ این مضامین در قالب ترسیم هندسی باغهای ایرانی که از اصل تقارن پیروی می‌کردند، ارائه می‌شدند. این نظم هندسی، ایده جهان را تداعی می‌کرد و حفاظت از زمین و محیط، مقدس شمرده می‌شد.

- باغ، نمایانگر یگانگی آسمانها و زمین؛ با این تصور، ایرانیان باستان با ایجاد نظم در زمین و خلق باغهای بهشت، نظم آسمانی و خدایی را جستجو می‌کردند.

باغ ایرانی همانند دیگر هنرهای ایرانیان، در چهارچوب سنت و اصول، از بدایع و ظرایفی برخوردار است و کمال وحدت در تنوع و تنوع در وحدت را می‌توان در آن مشاهده کرد. باغ ایرانی پاسخ به نیاز است، از نیاز اقلیمی تا نیاز فردی، حتی نیاز حیوانات اهلی و نیاز خود باغ، حداکثر کارآرایی را دارد و خود کفاست، مفید است و دور ریز ندارد و همه چیزش هدفدار، کاربردی و مصرفی است.

در باغ ایرانی به مانند معماری ایرانی، هیچ چیز بی‌مورد (یا فقط برای زیبایی) وجود ندارد. "باغ ایرانی باید تمامی حواس پنج‌گانه را لذت بخشد. تجربه در این باغ، هم تجربه‌ای جسمانی و هم روحانی است و طراحی آن به گونه‌ای صورت می‌گیرد که رایحه گیاهان شاداب، نوای غلغله زن آب و پرندگان آوازخوان، بافت و نسج کاشی صاف و زمین مرطوب، مزۀ میوه‌های آفتاب‌پرورده را برجسته سازد."

باغ‌ها با اهداف متفاوت و در زمینه‌های گوناگونی ایجاد می‌شوند. یک باغ ممکن است در پیرامون قصر یا عمارتی مهم ایجاد گردد. در جای دیگر این باغ برگرد آرامگاهی شکل می‌گیرد و گاه به منظور استفاده همگان، به مثابه مکانی عمومی به جود می‌آید. به طور کلی عناصر تشکیل دهنده باغ ایرانی را می‌توان در سه قسمت دسته‌بندی کرد

- زمین؛ (جستجوی "نظم خاک" در پرداختن به عنصر زمین، از دیرباز مورد نظر بوده است).

- آب؛ ("نظم آب" و متجلی ساختن آن در محیط، نقش اصلی را در شکل‌گیری باغ ایرانی داشته است).

- گیاه؛ (بهره‌مندی از مواهب مادی و معنوی باغ، با پرداختن به "نظم گیاه" میسر گردیده است).

پدیده‌های فرعی هم وجود دارند: مانند صدای آب و پرندگان و بوی گلها که نقش مهمی را ایفا می‌کنند. (خوانساری، ۱۹۹۸)
تاریخچه منظر مطالعه روشی است که در آن انسان به تغییر ظاهر فیزیکی محیط زیست در گذشته و حال اقدام می‌کند. گاهی اوقات به عنوان باستان‌شناسی منظر نامیده می‌شود. برای اولین بار به عنوان یک رشته جداگانه‌ای در طول قرن بیستم به رسمیت شناخته شد. این رشته از شواهد و رویکردهای رشته‌های دیگر از جمله باستان‌شناسی، معماری، بوم‌شناسی، عکاسی هوایی، تاریخ محلی و جغرافیای تاریخی استفاده می‌کند. در انگلستان، منظر به عنوان یک رشته تحصیلی به دنبال انتشار کتاب ساخت منظر انگلیسی توسط ویلیام جرج هاسکینز در سال ۱۹۵۵ پدیدار شد. اگر چه برخی از موضوعاتی که در حال حاضر به عنوان بخشی از تاریخچه منظر در نظر گرفته شده است قبل از آن جان نلسون داربی، کشیش ایرلندی-انگلیس، بسیاری از نمونه‌های اولیه از خصوصیات منطقه‌ای مناظر را ارائه داده است. پس از هاسکینز، منظر در جهات مختلف گسترش پیدا کرد. چندین کتاب در خصوص تاریخچه منظر تعدادی از شهرهای انگلیسی وجود دارد. نویسندگان دیگری منظر را در دوره‌های قبلی مورد مطالعه قرار دادند. (هانتز، ۱۹۹۹) مدیریت جنگل به طور گسترده‌ای توسط الیور راخهام به طور مثال درختان و جنگل‌های مناظر انگلستان مورد مطالعه قرار گرفت.

دامنه منظر از ویژگی های خاص فردی تا صدها مایل مربع را پوشش می دهد. موضوعات مورد مطالعه مورخان منظر عبارت است از:

- شکل (مورفولوژی) زیستگاه ها - به عنوان مثال آیا به صورت پراکنده هستند یا هسته ای و یا متمرکز
 - وضعیت زیستگاه ها - برای مثال املاک متعدد آنگلساکسون
 - روستاهای قرون وسطایی متروک که برای شکل روستاهای قبلی شواهدی را ارائه می کند
 - سیستم های میدانی مورد استفاده شده تا به امروز تاویژگی های منظر را همچون مناظر قبل تر توضیح دهد
 - مرزهای میدانی و یا مرزهای واحدهای بزرگتر همچون بخش ها یا مناطق شهری (هوک، ۱۹۷۶)
- دو راهبرد مکمل را می توان برای مطالعه تاریخچه چشم انداز مورد استفاده قرارداد: کار میدانی و پژوهش کتابخانه ای. کار میدانی شامل بازدید فیزیکی از منظر برای شناسایی عملیات خاکی و دیگر ویژگی های بالقوه است. پژوهش کتابخانه ای مستند شامل پیدا کردن رفرنس هایی برای شناخت ویژگی های منظر در منابع اولیه و ثانویه می باشد. در میان منابع مستند، مفید ترین آن ها نقشه ها هستند. عکس های هوایی امروزی نیز برای شناسایی ویژگی هادرمقیاس بزرگ مفید هستند؛ عکس های هوایی پیشین ممکن است ویژگی هایی را نشان دهد که دیگر وجود ندارند.
- اغلب ویژگی های اصلی به زمین شناسی و بوم شناسی منطقه مورد مطالعه مانند اهمیت چشمه ها و مناسب بودن خاک برای اشکال مختلف کشاورزی مربوط می شود. وجود گونه های شاخص برای شناسایی کاربری اراضی قبلی می تواند مورد استفاده قرارگیرد. به عنوان مثال گیاه bluebell نشان دهنده وجود جنگل های باستانی به ویژه در شرق انگلستان و لینکن شیر می باشد. برنامه خصوصیات منظر تاریخی آغاز شده توسط میراث انگلیسی چارچوبی را برای استاندارد کردن و ثبت اطلاعات در مورد تاریخچه منظر به ویژه برای حمایت از مقامات برنامه ریزی کننده فراهم می کند. (جانسون، ۲۰۰۷)
- وضعیت اکادمی منظر: دانشگاه های کمی دارای بخش تاریخچه منظر هستند. مورخان منظر آکادمیک معمولاً در گروه های باستان شناسی، تاریخ، تاریخ محلی قراردارند. به عنوان مثال، نیک هیقام در منچستر عنوان استادی در تاریخ منظر قرون وسطای اولیه در مدرسه تاریخ می باشد. دوره های تاریخ منظر معمولاً تا فوق لیسانس و یا خارج از دانشگاهی است. در نتیجه، بسیاری از کارهای انجام شده درخصوص تاریخچه منظر توسط آماتورها انجام شده است. (هر چند اغلب متخصصان در مطالعات منظر بر روی کارها نظارت داشته اند)

فرایند منظر

مناظر پویا هستند. شکل آن ها براساس فرایند فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی و معنوی در حال تغییر هست: جریان حرکت، رشد، تولد، مرگ، محو شدن، ارتباطات، ساختمان، یادگیری، خواب و عبادت

فرایندها به جهان ارگانیک و غیرارگانیک، جاندار و بی جان، فیزیکی و موجودات زنده موجود دران وابسته است. فرایندها الگوهایی درمقیاس های مرتبط با فضا و زمان از یک مقیاس نزدیک و قابل لمس تا مقیاس گسترده ای از قاره ها و سیارات، از لحظات به هزاران سال ایجاد می کنند. الگوی ماتریال منظر شکل و ساختارهایی هستند که سرخ هایی را به فرآیندهای در حال انجام و به فرآیندهای که مدت ها پیش متوقف شده اند می دهد. زمینه چشم انداز جایی است که فرایندهایی جهت تنظیم روابط پویا و یکپارچه کردن الگوهای بسیاری رخ می دهد. (هکتر، ۲۰۰۹)

مفهوم منظر (منظر شهری)

ادموند بیکن معتقد است که ساخت شهر یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که فرم آن نمادی از درک بی رحم از درجه تمدن بشر است. او می داند تصمیمات مردم ساکن در شهر تعیین کننده شکل شهر است. نظر او در شرایط خاص، تاثیر این تصمیم را به قدری روشن و واضح نشان می دهد که موجب به وجود آمدن شهرهای باشکوه می گردد. بیکن در کتاب "طراحی شهرها" به مثابه "یک شهر، نتیجه عملی اردی" این تصور را که شهرها نوعی اتفاق بزرگ در خارج از اراده انسان ها و

تنها با تبعیت از قوانین تغییر ناپذیر هستند، رد می نماید. منظر شهری به عنوان نمادی از کیفیت تمدن و روح معنوی جمعی هر ملت و قومی نتیجه تصمیم گیری ها و برداشت مردم شهر و نتیجه یک عمل ارادی و نه محصول تصادفی یا خارج از قواعد قابل فهم بشر است. اگر چه، تصویر، شهر خارج از اراده انسان است، و مداوم نیست و تقریباً همه در این امر با بیکن موافق هستند، اما فرض بر این است که هنوز تجزیه و تحلیل و تفسیر از شهر و منظر شهری بدون توجه به سازنده و همچنین درک از آن باقی مانده است. (جمالزاده، ۲۰۰۲)

دیدگاه های مختلف در خصوص جوهره منظر شهری

به طور خلاصه، سه ایده در نظریه چگونگی وجود کیفیت منظر شهری وجود دارد: کیفیت منظر شهری به عنوان یک صفت در محیط چارچوب شهر، ذاتی و مستقل از وجود انسان به عنوان یک ناظر و شاهد وجود دارد. کیفیت منظر شهری به عنوان یک مقوله ذهنی ساخته شده توسط ناظر که هیچ رابطی را با ساختار و خواص محیط فیزیکی ندارد.

کیفیت منظر شهری به عنوان یک پدیده با رویدادهای جاری در ویژگی های فیزیکی و ملموس از محیط زیست از یک سو و الگوهای فرهنگی، نمادها و توانایی های ذهنی ناظر از سوی دیگر شکل می گیرد. از نقطه نظر پدیدارشناسی، مفهوم منظر شهری تفسیر خواهد شد.

امروز، دواپس اول با بررسی و مطالعات عمیق فلسفی ادراک و آگاهی انسانی از فضای مصنوع مورد سوال قرار گرفته است. اکثر کارشناسان بر روابط دوجانبه و تعامل بین انسان و محیط زیست به توافق رسیده اند. به عنوان مثال، کریستن شولتز شهری را بر اساس حضور عمیق انسانی برای درک فضا و رابطه سه گانه بین انسان و وجود و محیط مصنوع تفسیر کرده است. در این دیدگاه، انسان اندشمندانه در تلاش برای درک محیط زیست و شرایط آن است. بشر با زندگی در جهان و درک آن، خلق و یا ثبات را به جهان می دهد. دو مرحله را می توان برای روند ایجاد شده توسط انسان با تمرکز بر ایده شولتز ترسیم نمود. مرحله اول، درک انسان از جهان است. مرحله دوم آفرینش بر اساس درک و فهم جهان است. بعد از آفرینش، وجود محیط مصنوع بر ادراک و آگاهی ذهنی انسان تاثیر می گذارد و اثر متقابل انسان و محیط زیست را می سازد. بنابراین، منظر شهری نتیجه ملموس درک بشر و ذهنیت او از محیط شهری است. در ابتدا، درک ملموسی که در نتیجه تاثیر عوامل بر حواس بشر است، به دست می آید. مرحله بعدی، درک معقول از محیط زیست در ترکیب فیزیکی و معنوی که موجب خلق موجودی جدید با خاطرات مردم است که منظر نامیده می شود. (منصوری، ۲۰۰۹)

گام اول درک درست از منظر شهری، درک آشکاری است که باعث لذت، شادی، ناراحتی، ترس و سایر واکنش های عاطفی انسان می گردد. در واقع، تاثیر اصلی کیفیت تصویر شهری در طیف وسیعی از واکنش های احساسی پدیدار می گردد. درک ملموس از منظر شهری نه تنها در عناصر بصری، بلکه در سر و صدا، بو و دیگر عوامل موثر بر حواس بشر، شکل می گیرد. از سوی دیگر، منظر به داده های محسوس ما در سراسر جهان محدود نمی شود. اما می تواند با پیوستگی با ذهنیت بیننده که بیشتر از نگاه بصری عادی است، مشخص گردد. در منظر شهری نگاه به شهر و محیط زیست شهری تنها با چشم انسان، بلکه با قلب و چشم ذهن و ترکیبی از این دو نگاه انجام می شود. بنابراین، بررسی منظر جدا از مورفولوژی محیط زیست می باشد.

ذهن انسان تصویری از شهر و منظر شهری را بر اساس تاثیرات حسی، تجارب و خاطرات شخصی، قضاوت های زیباشناسانه، خاطرات جمعی و تجربه جمعی، رویدادهای تاریخی، چارچوب فرهنگی ارزش ها و آرمان ها و ایده آل ها شکل می دهد. چراکه خلق معنا یک فرآیند منفعل نیست که ذهنیت اطلاعات حسی را دریافت نماید و با توجه به قوانین وابستگی به آن بپیوندد. اما آن یک فرایند فعال و خلاق است که ذهنیت و عینیت را باهم ترکیب کرده و ایجاد ذهن جهانی می نماید که همان ادراک احساسی است. یعنی معنا شامل واقعیت فیزیکی و ذهن با ادراک است.

در ابتدا منظر شهری عینیتی است که با توجه به کیفیت عوامل فیزیکی محیط زیست وجود خواهد داشت. اما منظر شهری به تدریج نوع دیگری از وجود ذهنی را با توجه به حضور در شرایط تاریخی و تکرار در مقابل مردمی که آن را درک می کنند، دارد

و عنصر مشترکی را که به جامعه مرتبط است، تغییر می دهد در این وضعیت، منظر موجودی ذهنی - عینی است که در جهان، واقعیت و ذهن وجود دارد و حذف هیچکدام از آنها ممکن نیست.

منظر شهری حتی پس از خروج از منطقه در ذهن انسان باقی می ماند. (کرک، ۱۹۶۳) این حضور ذهن نتیجه تعامل بین انسان (ناظر) و محیط زیست اوست. رابطه بین فرد و مکان است. منظر شهری مجموعه ای از فرم هاست. زمانی که کل به ذهنیتی تبدیل شده است که معنای ثابتی از ظرفیت های فرهنگی و یا منطقه ای منتج می شود. منظر شهری در واقع کل به هم پیوسته از نمادها و نشانه هایی است که به مفاهیم، ارزش ها معنا می دهد.

نتیجه گیری

ویژگی های اصلی منظر شهری به عنوان یک پدیده ذهنی-عینی، ساختار اجتماعی-فضایی و یا انسانی-فیزیکی مورد بحث قرار گرفته شده است. به عبارت دیگر، منظر شهری از طریق تجربه انسان در تعامل بین انسان و محیط زیست پدیدار می شود. این مفهوم، مفهوم فضایی و یا سه بعدی از فضا با توجه به معنای بعد نیست، بلکه یک دگرگونی چارچوبی از پارادایم فضا برای قرار دادن مدل است. مکان فضایی است معنی دار که معماری به این معنا بدن و کالبد می دهد. سپس وظیفه طراحانی که به خلق منظر شهری می پردازند، این است که بتوانند جستجو و کشف معنای تاریخی، طبیعی و فرهنگی را در محیط های شهری تعریف نمایند و به آنها عینیت در فرمت های فیزیکی و بصری اضافه نمایند. در مجموع، این مسئله منظر شهری دارای دو بعد است: اول، اجزای ملموس و بصری از خالق فضا و دوم، شرایط ذهنی فضا شامل جنبه های تاریخی، حافظه و هویت.

منابع

۱. جانسون، "ایده های چشم انداز: مقدمه"، انتشارات بلکول مالدن، ۲۰۰۷
۲. جمالزاده، "دیدگاه های موضوعات استراتژی برنامه ریزی شهری برای سازماندهی"، مجله انستیتو، ۲۰۰۲
۳. خوانساری و همکاران، "باغ ایرانی، انعکاس بهشت"، انتشارات مگ، ۱۹۹۸
۴. فریر، "هنر ایرانی، بهشت جدید"، انتشارات دانشگاه ییل، ۱۹۸۹
۵. منصوری، "منظر شهری"، مجله آبادی، ۲۰۰۹
۶. هانتز، "چشم انداز اسکس، مطالعه تاریخیچه و فرم آن"، انتشارات اداره مطبوعات اسکس، ۱۹۹۹
۷. هکلر، "چشم انداز، فرایند و قدرت: تجدید ارزیابی دانش زیست محیطی سنتی"، انتشارات اچ بی، ۲۰۰۹
۸. هوک، "چشم انداز آنگلوساکسون انگلستان در میان دیگران"، انتشارات بویدل نیویورک، ۱۹۷۶